

شهید حمید الهیاری:

آه، خدایا چه لذت دارد انسان در راه تو بمیرد و به خون خویش بگفتد. دوری این شهیدان به دلمان فشار می آورد و این فشار در طلیدن خلاصه می شود و آنگاه رویه کاغذ و قلم می آوریم و لحظات این عزیزان را می نویسیم که هر لحظه آنها عشق و ایمانشان به خدا بود و به یاد می آوریم نمازهای شبان را که به سجده می رفتند و منقلب می شدند و در دعایشان سلامتی امام، پیروزی رزندگان اسلام و شهادت خود را از معبودشان طلب می نمودند. از یک سو باید بدانیم تا شهید آینده شویم، و از دیگر سو باید شهید شویم تا آینده بماند. هر یک شهید شویم و هر یک باید بدانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی! چه می شد امروز شهید می شدیم، و فردا زنده می شدیم تا دوباره شهید شویم.



شهید حسین اسدی:

الهی! هر چه فکری کنم، غرق در گناهم. از کدامین
(گناه) توبه کنم. ولی فی دایم که تو، توبه پذیری، تو مهربان
ترین مهربانی. فکر کردم که چرا شهادت نصیب نمی
گردد، دریافتم که باید نیت خروج از دنیا را داشته باشم. از
دنیا بریدم تا به معبود پیوندم. باید از دنیا برید تا به معبود
پیوست...



شهید حجت‌الاسلام قربان‌علی آقازاده

خدایا! بی‌خواهم درد و غم مرا بسوزاند، در حالی که به
عرفان من یفزاید. بی‌خواهم در آغوش مرگ فرو
روم، در صورتی که به حیات ابدی مطمئن باشم. بی
خواهم سنگ زیرین آسیاب باشم، به شرط آن که کاروان
انسان‌ها بصوی تکامل پیش برود. بی‌خواهم قربانی شوم،
تا امت اسلاقی باقی بماند.
خدایا! بی‌خواهم بدنم قطعه‌قطعه شود، اما اسلام و
قرآن پابرجا بماند.





